اسطوره‌سازی و تقلیل واقعیت

Category: اندیشه‌ها,مطالب این وب‌گاه
written by admin | فوریه 9, 2025

یکی از عادات دیرینه ما ایرانیان، شاید همچون برخی دیگر مردمان، این بوده که پدیده های مهم و پررنگ تاریخ را همواره به یک فرد خاص که برایمان ماهیت اسطوره‌ای دارد نسبت می‌داده‌ایم و هنوز می‌دهیم. نمونه بارز آن کشف آتش است. مهم نیست که برای پیدایی آن داستانی سراغ داریم از این قرار که روزی هوشنگ در رویارویی با ماری جهانسوز سنگی برمی‌دارد و پرتاب می‌کند و سنگ به سنگ دیگر می‌خورد و از جرقه آن آتشی پدیدار می‌شود، مهم این است که پیدایی آتش و شاید صدها هزار یا حتی میلیونها سال تجربه بشر فقط و فقط در قالب یک فرد دیده می‌شود و به داستانی مختصر تقلیل می‌یابد. در دوران اساطیری شاهنامه پر است از این دست نگاه تقلیل‌گرایانه به هر پدیده‌ای و منسوب دانستن آن به قدرتهای برترِ یک نفر بخصوص. مثلا برپایی جشن نوروز به جمشید منسوب است؛ ورود خط و نوشتن نزد ایرانیان به طهمورث منسوب است و یادگیری او نگارشهای مختلف را از دیوان؛ این همه کاتب در تمدنهای مختلف در طی مراحل بسیار طولانی در هزاران سال خط را پدید آوردند و کل ماجرا خلاصه می‌شود در آموزش دیوان به طهمورث. اما امروز هم هنوز این عادت کهنه را کنار نگذاشته‌ایم. نمونه بارزش انقلاب مشروطه است و سیل روشنفکران و دلسوزان جامعه ایران که بسیار کوشیدند در پیدایی عدالتخانه و مدرسه و دانشگاه و حق رأی و مطبوعات و غیره و غیره اما روحیه سلطنت‌خواه تقلیل‌گرای برخی ایرانیان آن را فقط به رضاشاه نسبت می‌دهد. در کشورهای نوین انگلستان و فرانسه امکان ندارد بشنوی که مثلا کانال مانش را ملکه الیزابت و فرانسوا میتران ساختند اما در ایران حتی امروز هم می‌شنویم که مثلا سد فلان را رفسنجانی درست کرد یا بزرگراه بهمان را کرباسچی ساخت. فکر می‌کنم اگر روحیه اجتماعی‌تر و مدرن‌تری پیدا کنیم و نقش واقعی آحاد مردم را جدی بگیریم نگاه دقیق‌تر و روشن‌تری دست‌کم به تاریخ خودمان پیدا خواهیم کرد.